این را برای اولین‌بار در اینجا می‌گویم. من می‌دانستم که ابراهیم حاتمی‌کیا شروع به ساختن سریال حضرت موسی کرده است. یکی از دوستانم در این پروژه حضور داشت و به من گفت هنوز چند نقش بسته نشده، نمی‌خواهی پیگیری کنی که در این پروژه حضور داشته‌باشی. من اصلاً تابه‌حال پیگیری چیزی را نکرده‌ام. البته اصلاً افتخاری در این نیست، چون به‌هرحال ما بازیگر هستیم و دوست داریم که در نقش‌های درست و پروژه‌های خوب حضور پیدا کنیم. بعد از مدتی باز هم دوستم پیگیر شد، اما من جوابم همان قبلی بود. مدتی که گذشت یکی از عوامل فیلم با من تماس گرفت. اما اصولاً وقتی قرار است برای کاری دعوت شوم، یکی از این ۵ نفر باید با من تماس بگیرند؛ مدیر تولید، یا دستیار یک کارگردان، یا کارگردان، یا مجری طرح و یا تهیه‌کننده. به همین دلیل باز هم نرفتم. اما وقتی تهیه‌کننده یعنی سیدمحمود رضوی تماس گرفت، دیگر تصمیم گرفتم که به دفترشان بروم. البته این برمی‌گردد به خجالتی بودن من و ممکن است بعضی از همکاران این را بگذارند به حساب چیزهای دیگر، اما واقعیت این است که من همه را دوست دارم. حتی برخی از همکاران وقتی جایزه می‌گیرند من خیلی خوشحال می‌شوم و می‌گویم خدا را شکر به آنجایی که دوست داشت رسید.

نقش فرعون در فیلم «موسی کلیم‌الله» یکی از بازی‌های مهم شما در سینما محسوب می‌شود. گریم و طراحی لباس به کمک باورپذیری نقش‌تان آمده بود، اما فرعونی که شما به نمایش گذاشتید در ذهن مخاطب باقی خواهد ماند؛ چون اولین فرعون سینمای ایران را به تصویر کشیدید. این نقش برای خودتان چطور بود؟

از خوش‌شانسی من بود که این نقش به من پیشنهاد شد و از آقای حاتمی‌کیا ممنون هستم که این نقش را به من سپردند. نقشی که برای همه دنیا سابقه ذهنی دارد و نمونه خارجی آن را هم داریم. از کودکی چه در مکتوبات دینی و چه در درس‌های مدرسه راجع به این شخصیت حداقل یک‌بار برای ما حرف زده شده. واقعاً این تجربه برای من چالش‌برانگیز اما لذت‌بخش بود.

جالب است که شما پیش از این نقش، تجربه بازی در کارهای تاریخی را داشتید. اما این اولین ساخته تاریخی ابراهیم حاتمی‌کیاست. حاتمی‌کیایی که از خاکریز جنگ به نگاه اعتراضی اجتماعی و سیاسی رسید و حالا درباره یک داستان از عهد باستان فیلم ساخته. درواقع شاید شما می‌دانستید که وارد چه فضایی خواهید شد.

می‌دانستم، اما درواقع نمی‌دانستم؛ چون نقش فرعون، نقش بزرگی بود و درواقع شناخته‌شده‌ترین نقش فیلم بود. از طرفی اولین‌بار بود که با ابراهیم حاتمی‌کیا دیدار می‌کردم، همچنین اولین تجربه کاری‌ام با او بود. در کنار این، قرارگرفتن در آن تکنولوژی که تجربه نخست استفاده از آن در ایران بود، خودش یک چالش بزرگ‌تر و البته جذاب برایم بود.

اتفاقاً یکی از موضوعاتی که درباره فیلم مطرح است، استفاده از تکنولوژی ویرچوال پروداکشن است که جایگزین پرده سبز شده و درواقع فیلم برپایه آن بنا شده و کاملاً مشخص است که بازیگران در خدمت آن هستند. مواجهه‌تان با این تکنولوژی چطور بود؟ شیوه کارگردانی ابراهیم حاتمی‌کیا با حضور این تکنولوژی چطور بود؟

من فکر می‌کنم با اینکه کمی هم دیر شده بود، اما وقت‌اش بود که این تکنولوژی وارد ایران شود. همچنین چه بهتر که این تکنولوژی به دست کارگردانی سپرده شده بود مانند ابراهیم حاتمی‌کیا با همه دقت‌نظر و وسواس‌های خاص خودش در کار. واقعیت‌اش این تکنولوژی برای من هم خیلی عجیب بود. وقتی برای اولین‌بار وارد استودیو شدم و آن وال یا دیواری که برای استفاده از این تکنولوژی و درواقع شبیه‌سازی محیط استفاده شده را دیدم، فکر کردم دکور است. یک مقدار که نزدیک شدم، متوجه شدم که وال است اما فکر نمی‌کردم اینقدر رزولوشن و کیفیت‌اش بالا باشد. بازی در کنار این تکنولوژی، هم آسان است و هم سخت. یعنی همه‌چیز در استودیو بود. دیگر باران و باد یا تغییر راکورد نوری و از این دست مسائل، وقفه‌ای در کار نمی‌انداخت. اما از طرفی باید مثلاً فاصله‌ها را خیلی رعایت می‌کردیم. به‌نظر سخت‌ترین بخش کار، مربوط به افرادی بود که باید این تکنولوژی را در کار استفاده و مدیریت می‌کردند.

باتوجه به فضا و شرایطی که برای این نقش توصیف کردید، ابراهیم حاتمی‌کیا به بازیگران اجازه می‌داد آورده‌ای برای نقش داشته‌باشند؟

خیلی سوال خوبی پرسیدید. فکر کنم همه بازیگرانی که با ابراهیم حاتمی‌کیا کار کرده‌اند می‌دانند که او سهم بازیگر را می‌خواهد. یعنی قرارداد که بسته می‌شود، می‌پرسد که تو برای نقش چه می‌آوری؟ او می‌گوید، من به‌عنوان کارگردان حواسم به همه جزئیات بازی و مسائل فنی و هنری هست، اما اگر بازیگر بدون سهم و آورده وارد بازی شود، موجب خشنودی آقای حاتمی‌کیا نخواهد شد. چون حتماً می‌دانید، دکوپاژهای او خیلی معروف است. از طرفی، این دکوپاژها هم برای خودش و هم برای بازیگر اهمیت دارد، چون وقتی بازیگر جلوی دوربین قرار می‌گیرد، دست‌اش بسته نیست و می‌داند که چه می‌خواهد انجام بدهد. معمولاً ابراهیم حاتمی‌کیا در زمان دکوپاژ کردن از بازیگر می‌پرسد که این بخش را چطور بازی خواهی کرد؟ حالا ممکن است آن پیشنهاد جوابگوی سکانس باشد یا نه. اگر نباشد، خودش راهنمایی بیشتری می‌کند. گاهی هم پیش می‌آید که تمام سکانس با پیشنهاد بازیگر جلو می‌رود. اما درمجموع اگر بازیگر پیشنهادی نداشته باشد، خیلی اتفاق خوبی نمی‌افتد. در تئاتر هم برخی کارگردان‌ها به این شیوه کار می‌کنند. مثلاً دکتر علی رفیعی اعتقاد دارد که باید بازیگر سهم خودش را برای نقش بیاورد.

درباره نامزدی‌های چهل‌وسومین جشنواره فیلم فجر انتقادات منفی و مثبت زیادی وجود داشت. این اولین نامزدی شما در جشنواره فجر بود و نامزدی شما یکی از انتخاب‌های بی‌حاشیه و اتفاقاً پرطرفدار بود. انتظار داشتید این اتفاق زودتر برای شما بیفتد؟ اصلاً جایزه جشنواره فجر برای‌تان مهم است؟

جایزه برای همه مهم است. مخصوصاً وقتی قرار است هیئتی درباره کار شما نظر بدهند که متخصص این عرصه هستند. این نامزدی برایم بسیار خوشایند بود. زمانی که فهرست کاندیدها را دیدم، خوشحال شدم و فکر کردم تا همین‌جا که کاندیدا شدم این خوشحالی کفایت می‌کند. اما این را بگویم که وقتی اسم فرهاد آییش را به‌عنوان برنده جایزه بهترین بازیگر نقش مکمل مرد خواندند، قند در دل من آب شد و خودم اولین نفر بغل‌اش کردم. چون این آدم واقعاً ملیح و زلال است. او در فیلم دو نقش متضاد بازی کرد. حتی زمانی که داشت بازی می‌کرد، به ابراهیم حاتمی‌کیا گفتم، وقتی نقشی را فرهاد آییش بازی می‌کند، آدم خیالش راحت است.

فیلمبرداری «موسی» ادامه دارد؟ چون قرار بود سریال باشد. روند کار به چه‌شکلی است؟

امروز که با هم صحبت می‌کنیم ۲۹ فروردین‌ماه است، فعلاً خبر مستقیمی به من نرسیده که آیا قرار است کار ادامه داشته باشد یا نه.

حدوداً ۴-۵ سال پیش در مصاحبه‌ای اعلام کرده بودید که بدون هیچ جانب‌داری سیاسی و تنها برای سرگرمی مردم در سریال‌های تلویزیون بازی می‌کنید و پای همکاری با تلویزیون مانده‌اید. الان سال‌هاست که دیگر تلویزیون مقبولیت گذشته را ندارد و به‌گواه آمار، مخاطب‌اش بسیار کم‌شده. اما شما جزو آن دسته بازیگرانی هستید که وفادارانه همچنان سالی یک سریال را برای تلویزیون بازی می‌کنید. حالا که دیگر تلویزیون مخاطب حتی همان پنج سال پیش را هم ندارد، هنوز بر همان باور گذشته هستید؟ آخرین سریالی که از شما پخش شد «سوجان» هم با مشکل روبه‌رو شد. این مسائل شما را درباره تلویزیون به شک نمی‌اندازد؟

نه من درباره تلویزیون به شک نمی‌افتم. ممکن است برخی هم درباره این موضوع انتقاد کنند و حتی انتقادهای تندصورت بگیرد. الان اگر از من بپرسید، دو نفر از مسئولان شبکه‌های تلویزیون را نام ببرم، اصلاً آنها را نمی‌شناسم. چون برای من کار بازیگری مهم است و باید کارم را درست انجام دهم. اما حتی برخی از دوستان نزدیک هم به من این نقد را داشته‌اند که چرا در تلویزیون کار می‌کنم. شاید دلیل‌اش این است که از ابتدا هیچ‌وقت اصرار نداشتم که باید جایی کار بکنم یا جایی کار نکنم. می‌خواهم درباره چیزهایی حرف بزنم که باید مراقب باشم. اما این یک حقیقت است که من به‌شدت آدم سیاسی‌ای نیستم. مردم انتظار دارند ما سیاسی باشیم. اما من باید سواد سیاسی داشته باشم که بتوانم حرف بزنم. من باید مختصات سیاست را بدانم.

ماجرای سیاسی تلویزیون موضوعی جداست، بیشتر بحث بر سر میزان مخاطب و کاهش کیفیت آثار تلویزیونی است. سوال این است که اگر مخاطب مهم است درحالی‌که دیگر مخاطب بسیار کم شده، چرا شما همچنان در تلویزیون حضور پررنگ دارید؟

من تابه‌حال بالغ بر هزار قسمت در تلویزیون کار کرده‌ام؛ حالا سریال، تله‌فیلم یا چیزهای دیگر. ماجرا از اینجا جدا می‌شود که به‌نظر من خود تلویزیون هم در این زمینه کم‌کاری کرده. تلویزیون باید از چندین سال پیش در سلیقه‌اش یک تجدیدنظری می‌کرد. از طرفی، واکنش تلویزیون نسبت به مسائل روز، باعث اتفاقاتی شده که حالا درباره تلویزیون می‌بینیم. برآیند تمام این‌ها باعث می‌شود کسی که دارد تلویزیون را نگاه می‌کند، به یک نتایجی برسد. یکی از مهم‌ترین اتفاقات، حذف یک سری از همکاران ما و ممنوع‌الکاری آنهاست که باعث ریزش مخاطب شده. از طرف دیگر پلتفرم‌ها آمدند؛ جایی که ماجرای مالی‌اش با تلویزیون متفاوت است و بیشتر همکارانم به آنجا کوچ کرده‌اند. مسئله بزرگ‌تر این است که با اتفاقاتی که افتاد، دیگر نویسندگان ما نمی‌توانند یا نمی‌خواهند برای تلویزیون بنویسند.

پس شما هم بر این باور هستید که مشکل بزرگ در همه حوزه‌های نمایشی، محتواست؟

بله. دقیقاً، مشکل محتواست. نویسندگان و کارگردان‌هایی که امروز برای تلویزیون کار می‌کنند، انگار برای باری به‌هرجهت است. در این سال‌هایی که من با تلویزیون کار کردم یا سریال‌های کمدی و طنز بوده یا داستانی. معمولاً سراغ داستان‌هایی رفتم که برایم جذاب باشد. در عید شاهد بودیم که دوستان پایتختی ما برگشتند و مخاطب تلویزیون این سریال را دید. مخاطبان هنوز «دزد و پلیس» و «ساختمان پزشکان» نگاه می‌کنند. اما وقتی تصمیم‌گیری درستی درباره تغییر سلیقه تلویزیون انجام نمی‌گیرد، تبعاتش را می‌بینیم. این را هم بگویم که خود دوستان در تلویزیون هم می‌دانند مخاطب ریزش کرده است، اما به‌نظر می‌رسد انگار خیلی برایشان مهم نیست. چون اگر مهم بود به‌هرحال باید یک کارهایی می‌کردند که جذابیت به کارهای‌شان برگردد.

درباره سریال‌های پرمخاطب کمدی که در آنها حضور داشتید، صحبت کردید. اما خودتان مدت‌هاست که دیگر در کار کمدی حضور نداشتید. باتوجه به شرایط مردم فکر نمی‌کنید به سریال‌های کمدی بیشتر احتیاج دارند؟ خودتان دل‌تان برای کارهای کمدی یا مثلاً زوج محبوب‌تان با هومن برق‌نورد تنگ نشده؟

خیلی دلم تنگ است. اما به‌دلیل احوالاتم، هربار برای کاری به من زنگ می‌زنند ـ فرقی نمی‌کند برای تلویزیون، سینما یا پلتفرم ـ اولین سوالی که می‌کنم این است که فیلمنامه جدی است یا کمدی. چون واقعاً دیگر نمی‌توانم کمدی بازی کنم. چون کمدی بازی کردن حال خوب می‌خواهد و خیلی توان لازم دارد. البته خدا را شکر در پلتفرم و سینما دوستان کمدی بازی می‌کنند و مردم می‌خندند و لذت می‌برند. اما برای من فعلاً احوالاتش نبوده و بعد از این هم باید ببینم چه می‌شود.

شما خیلی پیش‌تر از اینکه تب ساخت مسابقات مافیا در نمایش خانگی شکل بگیرد، اجرای مسابقه‌ای به اسم «مافیا» را در تلویزیون در شبکه سلامت برعهده گرفتید. مافیا دوست دارید؟ در دنیای واقعی هم اهل این بازی هستید؟ چون در بیشتر رئالیتی‌شوها و بازی‌های مافیایی شبکه‌نمایش‌خانگی حضور دارید؛ «پدر خوانده»، «ارتش سری»، «ناتو»، «ضد» و... این حضور در این بازی‌ها غیر از علاقه به خودبازی، دلیل دیگری هم دارد؟

تا یک جایی واقعاً برایم جذاب بود. اما دلیل دیگرش این بود که واقعاً پول لازم داشتم. دیگر به‌نظر من وقت‌اش نیست که راجع به پول بخواهیم حرف‌های بد بزنیم. از دوران دبستان به ما می‌گفتند، علم بهتر است یا ثروت؟ و ما باید می‌گفتیم، علم. اما واقعیت این است که ثروت هم خوب است. از دوران ابتدایی تا آخر تحصیلات ما یک واحد درسی نبود که راجع به اهمیت پول حرف بزند. این هم از مشکلات آموزش‌وپرورش ماست و همه با تمام وجود مشکلات این سیستم آموزشی را می‌دانیم. چرا راجع به پول با ما حرف نزدند؟ علم را باید مقابل بی‌علمی قرار بدهند، نه در مقابل ثروت. اما شرکت کردن در این بازی‌ها هم برای من دیگر از جایی متوقف شد.

اما شما در شش برنامه اینچنینی حضور داشتید.

اتفاقاً یک رئالیتی‌شو دیگر هم بود که پخش نشد. بله حضور داشتم در همه اینها، اما از جایی به‌بعد دیگر گفتم این کار من نیست و بازگشتم به بازیگری. از طرفی، احساس کردم دیگر از خالص‌بودن خود بازی دور شده و ترجیح دادم فاصله بگیرم. اجازه بدهید تا همین‌جا بگویم.

به‌دلیل جنس بازی شما روی صحنه و در کارهای اثرگذار دیگر، این حضورتان در برخی از این رئالیتی‌شوها، مخاطبان و دوست‌داران بازی شما را به این تفکر می‌رساند که پذیرش این پیشنهادات به کارنامه‌تان لطمه وارد نکند. چون مدت‌هاست این جنس رئالیتی‌شوها مخاطب عام ندارد و آنقدر متعدد شده‌اند که تنها مخاطبان خاص آنها را دنبال می‌کنند.

حقیقت‌اش این است که اگر من از ابتدای مسیر کاری‌ام مشاوران خوبی داشتم، اگر مشورت و مکث می‌کردم، شاید مسیر جدی‌تر و بهتری را می‌آمدم. ناشکر نیستم. در کارهایی حضور داشتم که هنوز با وجود گذشت ۱۳ یا ۱۴ سال مردم آنها را به‌یاد دارند، درباره‌اش حرف می‌زنند، دوست‌اش دارند و به من لطف دارند. اما مطمئنم اگر مشاوره می‌گرفتم، مسیر دیگری را می‌آمدم.

شما از اولین بازیگرانی هستید که ریسک حضور در شبکه نمایش‌خانگی را با اولین فصل «ساخت ایران» در سال ۹۰ پذیرفتید. اما در مسیری که طی کردید، درگیر سه پروژه ناموفق هم شدید؛ «ابله»، «جزیره» و «گردن‌زنی». باتوجه به تجربه‌ای که دارید موقع ساخت برای‌تان قابل لمس نبود که این آثار اتفاق خوبی برایشان نمی‌افتد؟

بله متاسفانه این سه پروژه با اتفاقات عجیب‌وغریبی روبه‌رو شد و اصلاً هم مورد استقبال عمومی قرار نگرفت. مثلاً درباره «گردن‌زنی»، بیشتر سکانس‌های من را درآوردند و حتی خودم متوجه نشدم که چه اتفاقی افتاد. با وجود اینکه آن نقش را بسیار دوست داشتم و کاراکتر متفاوتی در کارنامه من محسوب می‌شد. اینجا هم موضوع اهمیت متن و محتواست. حتی ممکن است فیلمنامه خوب باشد و شما وقتی جلوی دوربین می‌روید، ناگهان متوجه شوید در کارگردانی اشکالاتی به‌وجود آمده. اما بعد از آن با مشکل دیگری روبه‌رو می‌شوید به‌اسم ممیزی. مثلاً سر پروژه «گردن‌زنی» به من گفتند که کاراکترم به‌دلیل خشونت زیاد، حذف شده. این در حالی بود که در قسمت اول آن، عروس و داماد را سلاخی می‌کردند. به‌هرحال مسائل زیادی وجود دارد که یک پروژه ناکام می‌شود. درنهایت معتقدم، باید از پلتفرم‌ها خیلی مراقبت شود، چون اتفاق خوبی است.

در تعریف اصلی و جهانی، پلتفرم اتفاق بسیار خوبی است. اما در ایران بسیاری از منتقدان و متخصص‌های سینما دلسوزانه معتقدند که پلتفرم‌ها در شرایط کنونی، تبدیل به آفت سینما شده‌اند؛ چون بازیگر، نویسنده و کارگردان می‌بلعند. به‌نظر شما هم باتوجه به سابقه حضورتان در پلتفرم‌ها، این موضوع درست است؟

اگر بخواهم خیلی راحت جواب بدهم، باید بگویم ماجرای پول است. پلتفرم پول خیلی خوبی به بازیگر می‌دهد و بازیگر ترجیح می‌دهد در پلتفرم باشد تا اینکه در یک پروژه سینمایی حضور پیدا کند، یک قرارداد ثابت ببندد و چند ماه در گیرودار ساخت فیلم بماند. در این میان بازیگر از پروژه‌هایی که در پلتفرم با پول‌های خیلی زیادی که وجود دارد، عقب می‌ماند. الان ترجیح بازیگر این است که در پلتفرم پول خوب بگیرد و تازه خیلی بیشتر از سینما در شبکه نمایش خانگی دیده شود.

نقش فرعون، نقش بزرگی بود و درواقع شناخته‌شده‌ترین نقش فیلم بود. از طرفی اولین‌بار بود که با ابراهیم حاتمی‌کیا دیدار می‌کردم، همچنین اولین تجربه کاری‌ام با او بود. در کنار این، قرارگرفتن در آن تکنولوژی که تجربه نخست استفاده از آن در ایران بود، خودش یک چالش بزرگ‌تر و البته جذاب برایم بود

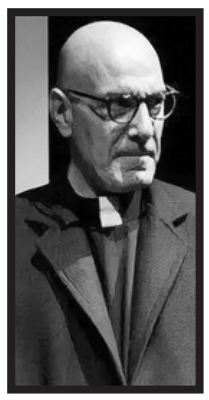

حقیقت‌اش این است که اگر من از ابتدای مسیر کاری‌ام مشاوران خوبی داشتم، اگر مشورت و مکث می‌کردم، شاید مسیر جدی‌تر و بهتری را می‌آمدم. ناشکر نیستم. در کارهایی حضور داشتم که هنوز با وجود گذشت ۱۳ یا ۱۴ سال مردم آنها را به‌یاد دارند، درباره‌اش حرف می‌زنند، دوست‌اش دارند و به من لطف دارند. اما مطمئنم اگر مشاوره می‌گرفتم، مسیر دیگری را می‌آمدم

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان تهران - اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک شهری
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
م الف: ۱۳۷
برابر رای شماره ۱۴۰۳۶۰۳۰۱۰۲۴۰۰۹۳۴۹ مورخ ۱۴۰۳/۱۲/۲۰ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شهری تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خانم فاطمه توکلی گللو به شناسنامه شماره ۱۶۴۵۱ کد ملی ۱۴۶۱۷۲۷۴۵۶ صادره از اردبیل فرزند اژدر در ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۱۶۹ مترمربع پلاک شماره ۱۲۵۱ فرعی از ۶ اصلی واقع در تهران بخش حوزه ثبت ملک شهری خریداری بموجب (سند مالکیت مشاعی مورد ثبت صفحه ۱۰۸ دفتر ۱۳۴۸) محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۱/۳۰ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۲/۱۴
سید مهدی لامعی - رئیس ثبت اسناد و املاک شهری

نگاهی به ۱۰ اثر برنده احتمالی پولیتزر ادبیات

فردا برندگان جایزه پولیتزر معرفی می‌شوند. بخش ادبیات این جایزه شش بخش دارد و برندگان آن در حوزه‌های داستان، درام، تاریخ، زندگی‌نامه، شعر و ادبیات عمومی غیرداستانی، جایزه‌ای ۱۵ هزار دلاری و یک گواهینامه دریافت می‌کنند. در آستانه انتخاب برترین‌های پولیتزر ادبیات، وب‌سایت معتبر «الکتریک لیت»، فهرستی از آثار ادبی‌ای که امسال شانس گرفتن جایزه پولیتزر ادبی را دارند، تهیه کرده و آنها را معرفی کرده است.

۱۰ - «دریاچه خلقت»: «دریاچه خلقت» آخرین اثر ریچل کوشنر است. رمانی جاسوسی با چاشنی طنز که روایت یک زن آمریکایی است که به یک تشکل آنارشیستی در فرانسه نفوذ می‌کند. ممکن است شبیه آثاری نباشد که داوران پولیتزر به آن توجه می‌کنند، اما اگر در روز اعلام نتایج ظاهر شود، نباید تعجب کرد. کوشنر، نویسنده‌ای درخشان است و این رمان قبلاً در فهرست نهایی جایزه بوکر و فهرست طولانی جایزه ملی کتاب قرار گرفته است.

۹ - «صنعت: داستان‌هایی که برای شیطان نوشتم»: سال ۲۰۰۹ آخرین باری بود که یک مجموعه داستان کوتاه برنده شد، اما بالاخره یک مجموعه دیگر باید جایزه را به خانه ببرد. مجموعه داستان‌های کوتاه دلنشین و خلاقانه آماندا لیما، سال موفقی را پشت‌سر گذاشته است. بسیار درخشان ظاهر شده و از آن تمجید شده است. کتاب درباره آشنایی یک نویسنده با شیطان در یک مهمانی هالووین است و فضایی سورئال دارد.

۸ - «سرزمین زیبایی»: رمان ماری‌هلن برتینو در اوایل سال ۲۰۲۴ منتشر شد و درباره خانه و تعلق است. داستان کتاب درباره آدینا است که قبل از تولد توسط موجودات فضایی فرستاده می‌شود تا دریابد آیا آن‌ها می‌توانند روی زمین زندگی کنند و از طریق یک دستگاه فکس به آن‌ها گزارش می‌دهد. این کتاب، نامزد نهایی جایزه حلقه منتقدان ملی کتاب برای داستان بود و در فهرست‌های بهترین‌های لیتررِی هاب، بوک رایت و نیویورک تایمز قرار گرفت.

۷ - «ستارگان سرگردان»: تامی اورنج در سال ۲۰۱۹ با اولین رمانش به‌نام «آنجا آنجا»، نامزد نهایی جایزه پولیتزر بود. حالا او دوباره با «ستارگان سرگردان»، در رقابت جدی قرار دارد. این کتاب اثری مهم است که که میراث تروما را دنبال می‌کند. «ستارگان سرگردان» تحسین منتقدان و خوانندگان را دریافت کرده است. ازجمله افتخارات دیگر این کتاب، قرار گرفتن طولانی‌مدت در فهرست جایزه بوکر ۲۰۲۴ و راه‌یابی به بخش نهایی جایزه ادبی آسپن‌وردز بود.

۶ - «تاریخ صدا»: «تاریخ صدا»، مجموعه‌ای از داستان‌هایی است که در طول زمان روایت می‌شوند. اثری نوشته بن‌شاتاک که در زمره محبوب‌ترین مجموعه‌های سال ۲۰۲۴ است.

۵ - «ریو گرانده‌ای در بهشت هست»: «ریو گرانده‌ای در بهشت هست»، محتمل‌ترین گزینه برای کسب جایزه نهایی است. روبن ریس جونیور داستان‌هایی نوشته که فوق‌العاده و خیال‌انگیز هستند و احساسات زیادی در آنها نهفته‌است.

۴ - «دوستان من»: هشام مطر در سال ۲۰۱۷ برای کتاب «بازگشت: پدران، پسران و سرزمین میان‌شان» برنده جایزه پولیتزر در بخش زندگینامه شد و امسال نیز در رقابت جدی برای جایزه در بخش داستان قرار دارد. «دوستان من» به بررسی خانواده و دوستی می‌پردازد. این رمان افتخارات بسیاری کسب کرده است، ازجمله نامزد نهایی جایزه ملی کتاب و برنده جایزه حلقه منتقدان ملی کتاب.

۳ - «شیطان دوقدمی»: «شیطان دوقدمی» یا «شیطان دومرحله‌ای»، کتابی نوشته جیمی کواترو است. از نظر نثر و داستان کاملاً درخشان و جسورانه است و به مسائلی مانند خدا، فقدان و بیماری روانی می‌پردازد. کواترو دو کتاب هم قبلاً داشت که شایسته برنده‌شدن بودند، اما او در آخرین شاهکار گوتیک جنوبی‌اش در بهترین حالت خود قرار دارد. این کتاب جایزه ویلی موریس برای نویسندگی جنوبی (داستان) را دریافت کرده و از سوی نیویورک تایمز، پاریس ریویو و آتلانتا جورنال کانستیتوشن تحسین شده است.

۲ - «شهید»: کاوه اکبر، رمانی نوشته که همه درباره آن صحبت می‌کنند. «شهید» واقعاً یک اثر ویژه است. سرشار از عشق، طنز و درد که تحسین زیادی را دریافت کرده و به‌نظر می‌رسد، برنده فوق‌العاده‌ای برای پولیتزر است. این کتاب قبلاً در فهرست نهایی جایزه ملی کتاب قرار گرفته و از سوی تایم، نیویورک تایمز و بسیاری نشریات دیگر مورد تقدیر قرار گرفته است.

۱ - «جیمز»: کتاب «جیمز»، بازآفرینی درخشانی از رمان «ماجراهای هاکلبری فین» اثر مارک تواین است که نویسنده‌اش پرسیوال اورت، سال به‌یاد ماندنی‌ای را سپری کرده است. این کتاب برنده جایزه ملی کتاب شد و جایزه کرکوس را برد. بارنز اند نوبل، آن را به‌عنوان بهترین کتاب سال ۲۰۲۴ انتخاب کرد و در فهرست نهایی جایزه بوکر قرار گرفت. همچنین این کتاب، نامزد نهایی جایزه حلقه منتقدان ملی کتاب بود و در فهرست‌های بی‌شماری از بهترین‌ها جای گرفت. خوانندگان و منتقدان آن را دوست دارند. به‌نظر می‌رسد «جیمز» برنده باشد.